

درآمدی بر کاربردهای آینده‌پژوهی در علم سیاست

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۳ تاریخ تأیید: ۹۵/۶/۱۲

سیدحسین میرخلیلی*

چکیده

آینده‌پژوهی و علم سیاست دو حوزه مطالعاتی هستند که تعاملات اساسی با هم دارند. برای تحلیل تعاملات بین این دو علم و روشن ساختن کاربرد آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی ابتدا باید نسبت این دو دانش را با یکدیگر بررسی کرد. علم سیاست به تحلیل و بررسی جنبه‌های سیاسی پدیده‌های اجتماعی نظر دارد. بر اساس آنچه در علم سیاست مرسوم است: تحلیل سیاسی به انسان کمک می‌کند تا جهانی را که در آن زندگی می‌کند، بهتر بشناسد و از میان شقوق گوناگون پیش روی خویش، بهترین را انتخاب کند و بالاخره موفق شود بر تغییرات کوچک و بزرگ که هر کدام یکی از جنبه‌های لاینفک زندگی می‌باشند تأثیر بیشتر ببخشد. اگر آینده را متشکل از تعامل چهار عنصر رویدادها، روندها، تصویرها و اقدامات بدانیم، مطالعه و پردازش افق‌های آینده و به دست آوردن تصویر روشن و مطلوب از آن در گرو شناخت تغییرات و تحولات و نحوه مواجهه با آنهاست. ارائه چهارچوبی منسجم و دستیابی به درک نظام‌مند از پاسخ‌های محتمل به این تغییرات و تحولات نیازمند ابزارها، راهبردها و اقداماتی است. آینده‌پژوهی به عنوان یک دانش کاربردی یکی از ابزارهایی است که در تحقق و ایجاد این امر به ما کمک می‌کند. آینده‌پژوهی با نگاه آگاهانه، دقیق و با استفاده از روشها و تکنیک‌های خود به ارائه راهکارهایی پیرامون مواجهه و مدیریت تغییرات و تحولات و ایجاد یک چشم‌انداز جامع و عملی از آینده علم سیاست می‌پردازد. بنابراین شناخت تغییرات و تحولات در عرصه مطالعات سیاسی، تصمیم‌گیران و سیاستمداران را نسبت به تصمیم‌گیری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی دقیق‌تر یاری می‌نماید و آنها را برای مواجهه فعالانه‌تر با چالش‌های پیش روی آگاه می‌سازد، علاوه بر این روشهای آینده‌پژوهی می‌تواند موجب توسعه مطالعات سیاسی گردد. و این مهم تنها از طریق شناخت وجوه کاربردی روشهای آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی امکان‌پذیر می‌باشد. در مقاله حاضر سعی می‌شود تا کاربردهای آینده‌پژوهی در علم سیاست مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: آینده‌پژوهی، علم سیاست، روند، تصویرپردازی.

مقدمه

آینده پژوهی و علم سیاست دو حوزه مطالعاتی هستند که تعاملات اساسی با هم دارند. از طرفی آینده پژوهی به عنوان یک حوزه بین رشته ای، دستیابی و شناسایی رویدادها، روندها و کلان روندهای موثر در عرصه‌های شکل‌گیری تحولات سیاسی آینده و در نهایت دستیابی به تصویر آینده را برای ما ممکن و مهیا می‌سازد. (حسینی‌مقدم، ۱۳۸۹، ص ۱) به بیان دیگر مطالعات آینده را می‌توان را بین رشته‌ای دانست، چرا که اوضاع و احوال پیچیده را در زمینه جهانی نشان می‌دهند و از جنبه‌هایی محتوایی یا جغرافیایی، آنها را تفکیک می‌نمایند. از این منظر می‌توان گفت مطالعات آینده، هنجاری محسوب می‌شوند، به این معنا که در نگرش به آینده دارای بار ارزشی هستند. (حاجیان، ۱۳۹۱، ص ۴۴) از طرف دیگر در جامعه علمی جهان، علم سیاست از جمله علمی است که کنشگران آن نقش مهم در شناسایی خط‌مشی‌ها، اتخاذ تصمیم‌ها و حرکت برای نیل به آینده مطلوب کشورها دارند. دستیابی به آینده مطلوب یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های عالمان علم سیاست است. سوق دادن جامعه از وضع موجود به وضع مطلوب یکی از مهم‌ترین دلمشغولی‌های سیاست‌پژوهان و سیاست‌گذاران بوده است. بنابراین بررسی نسبت بین آینده پژوهی با علوم انسانی و علم سیاست برای ما بسیار حائز اهمیت است.

روش تحلیل ما در این پژوهش، بررسی ترابط علوم می‌باشد؛ به نحوی که ارتباط بین آینده‌پژوهی و علوم سیاسی را بررسی نماییم که آیا رابطه آنها به صورت تباین است، یا به صورت تعامل؛ بدون شک رابطه این دو تباین نیست، در رابطه تعامل نیز، اگرچه تعامل دو طرفه است اما ما در این پژوهش به تعامل و تأثیر و کاربرد آینده پژوهی بر علوم سیاسی اشاره داریم نه بالعکس. بنابراین آینده‌پژوهی و علوم سیاسی امروزه دو حوزه مطالعاتی مهم عرصه علمی و دانشگاهی می‌باشند و به لحاظ موضوعی و کاربردی

تعاملات اساسی با یکدیگر دارند. مهم‌ترین و اصلی‌ترین عرصه تعامل این دو حوزه مطالعاتی در کاربرد روش‌های آینده‌پژوهی در علوم سیاسی می‌باشد.

مفهوم شناسی

۱. مفهوم شناسی آینده پژوهی

آینده‌پژوهی^۱، آینده‌شناسی^۲، آینده‌نگاری^۳، پیش‌بینی^۴ و مفاهیم مشابه این مفاهیم؛ اصطلاحات و واژه‌هایی هستند که کم و بیش در نوشته‌ها و رویکردهای علمی و پژوهشی دیده می‌شود. در واقع، امروزه رشته‌های علمی جدیدی که هدف آن‌ها مطالعه منظم آینده است، معروف به آینده‌پژوهی، آینده‌نگری و یا پژوهش‌های معطوف به آینده هستند و کارشناسان و پژوهشگران آن، آینده‌پژوه^۵ نامیده می‌شوند. (اسلاوتر، ۱۳۸۴، ص ۲۰)

امروزه مراکز، سازمان‌ها و آینده پژوهان بسیاری وجود دارند که هر یک تعاریف مستقل خود را ارائه کرده‌اند، که یکی از دلایل آن وجود رویکردهای متعدد این حوزه می‌باشد. اما در تعاریف ارائه شده نقاط و وجوه مشترکی وجود دارد که سعی میشود این نقاط، برجسته شده و در نهایت تعریف جامعی از آینده پژوهی به دست آورده شود. آینده پژوهی در لغت بیان کننده مطالعات آینده یا مطالعات مربوط به آینده می‌باشد، گرچه بسیاری این واژه را مترادف واژگانی چون آینده‌اندیشی، آینده نگاری و حتی آینده شناسی می‌دانند.

-
1. Futures Studies
 2. Futurology
 3. Foresight
 4. Forecast
 5. Futurist

اما در ارتباط با اصطلاح آینده پژوهی، در تعاریف متعددی که آورده شده هر کدام از منظری خاص به آن نگاه کرده‌اند. وندل بل به عنوان یکی از پیشگامان عرصه آینده پژوهی تعاریف و توصیفات خوبی درباره آینده‌پژوهی بیان کرده است، وی معتقد است آینده پژوهی یک عرصه جدید پژوهشی در حال رشدی است که دربرگیرنده تفکر نظام‌مند و صریح درباره آینده‌های جایگزین (بدیل) می‌باشد. وی در یک تعریف از آینده‌پژوهی می‌گوید: «بررسی دیدگاه‌ها و مطالعه نظامند آینده‌های جایگزین به منظور کمک به مردم در انتخاب و خلق مطلوب‌ترین آینده. آینده‌پژوهان ترکیب‌های مختلفی از دانش گذشته، دانش حال، تخیل، امیال و نیازها را برای دسترسی به این هدف به کار می‌گیرند. علاوه بر این آینده پژوهان سعی دارند تا پیامدهای پیش بینی نشده، ناخواسته و تشخیص داده نشده فعالیت‌های اجتماعی را کشف کنند.» (Bell, 2003, p2) این عرصه بر پایه چشم اندازهای ویژه و مفروضاتی استوار است که از تئوری‌ها، روش‌ها و ارزش‌های خاصی استفاده می‌کند. بل تعریف جامعه‌شناختی از آینده‌پژوهی نیز ارائه کرده است: آینده‌پژوهی، بخشی از اومانیزم^۱ یا انسان‌گرایی مدرن است که هم فلسفی است و هم علمی و ماهیتاً سکولار است. آینده‌پژوهان، یعنی فعالان حوزه مطالعات آینده تلاش می‌کنند تا از آینده، رمزگشایی کنند، روش‌های خود را شفاف سازند، نظام‌مند و عقلایی عمل کنند و نتایج مطالعاتشان را بر مشاهدات تجربی واقعیت بنا نهند. (Bell, 2003, p3)

همانگونه که در تعاریف ارائه شده در خصوص آینده پژوهی مشاهده می‌شود، یکی از دغدغه‌های اساسی نظریه پردازان این حوزه توجه به آینده و اتفاقات پیرامون آن می‌باشد، شناخت و کشف آینده وجه مشترک اکثر تعاریف می‌باشد. آنچه ما در باب آینده پژوهی و در ارتباط با آینده می‌شنویم همه راجع به سه گونه آینده می‌باشد؛ آینده ممکن: هر چیزی که ممکن است در آینده رخ بدهد؛ آینده محتمل: هر آینده ممکن که به احتمال زیاد در آینده به وقوع می‌پیوندد؛ و آینده مطلوب: هر آینده احتمالی که مطلوب و مرجح

باشد. (محمودی و عباسی، ۱۳۸۴، ص ۳) از این همین روست که موضوع آینده‌پژوهی را در برگیرنده انواع سه گانه آینده می‌دانند، چرا که بررسی و تلاش در جهت نیل به آینده‌های بدیل و جایگزین و نه فقط یک آینده یکی از اهداف آینده پژوهی می‌باشد.

۲. مفهوم شناسی علم سیاست

از دیگر مفاهیم و کلیاتی که در این فصل می‌بایست بدان بپردازیم تا هم‌زمانی در بحث از کاربردهای آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی حاصل شود، بحث از علم سیاست است. چنان که از تعاریف مرسوم در کتب علوم سیاسی آمده است، علم سیاست، بخشی از علوم اجتماعی است که با مطالعه دولت، حکومت و سیاست در ارتباط است. ارسطو این علم را به عنوان مطالعه حکومت تعریف می‌کند. این علم بسیار زیاد با سیاست در عرصه نظر و در میدان عمل، تحلیل نظام‌های سیاسی و رفتارهای سیاسی سروکار دارد. اندیشمندان سیاسی، خود را درگیر در شناسایی ارتباطات اساسی میان شرایط و تحولات سیاسی می‌بینند و از طریق این کار سعی در ساختن اصولی اساسی برای منظم کردن علم سیاست و پیش‌بینی کارهای سیاسی در جای جای دنیا دارند. همچنین لازم به ذکر است که علم سیاست با رشته‌های دیگر هم تداخل دارد؛ از جمله، اقتصاد، حقوق، روان‌شناسی، تاریخ، مردم‌شناسی، حقوق اداری، سیاست عمومی، سیاست ملی، ارتباطات بین‌الملل، سیاست تطبیقی، جامعه‌شناسی، موسسات سیاسی و نظریه‌های سیاسی. گرچه قرن نوزدهم را زمان تدوین تمام شاخه‌های علوم اجتماعی می‌دانند، اما علم سیاست، ریشه‌هایی در دوران باستان دارد؛ در واقع، این علم تقریباً ۲۵۰۰ سال پیش توسط کارهای افلاطون و ارسطو سازمان یافت. (ملکی‌فر، ۱۳۸۶، صص ۲۰ - ۳۰)

برای واژه سیاست معانی بسیار زیاد و متفاوتی توسط صاحب‌نظران به کار رفته است، اما می‌توان مهم‌ترین معانی که به صورت دسته‌بندی ارائه شده است را بدین صورت بیان نمود:

۲.۱ سیاست به معنای «علم قدرت»

عده‌ای از نظریه‌پردازان غربی مانند: فرانکل، ماکیاول، فرانکلین لووان بومرور، نیچه و ...، علم سیاست را «علم قدرت» دانسته‌اند. اگر چه این تعریف دست کم در عمل از ابتدای تشکیل حکومت‌ها در جامعه‌ی بشری وجود داشت، اما شاید تدوین کلاسیک این تعریف به «موریس دوورژه» بر می‌گردد. (دوورژه، ۱۳۸۱، صص ۱۷-۱۸)

۲.۲ سیاست به معنای «علم دولت»

عده‌ای دیگر از نظریه‌پردازان غربی، نظریه‌ی فوق را تعدیل کرده و بیان داشته‌اند که سیاست یعنی «علم دولت» و منظور علمی است که رفتار دولت را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد. نظریه‌پرداز مشهور رافائل بر این نظر است: «آن چه به دولت مربوط می‌شود یک امر سیاسی است» و بلونشلی نظریه‌پرداز مشهور دیگر نیز می‌گوید: «علم سیاست به معنای درست کلمه، علمی است که دولت را بررسی می‌کند». (وینسنت، ۱۳۷۱، ص ۲۰)

ضرورت کاربست آینده پژوهی در علم سیاست

آینده پژوهی، شکل خاصی از پرداختن به آینده است و بر مؤلفه‌هایی چون تداوم روندهای تاریخی، امکان آمادگی برای رو به رو شدن با آینده، رصد کردن تغییرات و تحولات ممکن و احتمالی دلالت دارد. امروزه اهمیت و ضرورت «آینده پژوهی» بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا برای رویارویی با تغییرات اقتصادی و اجتماعی، سیستم‌های علمی و تکنولوژی، بایستی یا از طریق سازگار کردن تکنولوژی‌های فعلی و یا ایجاد و به کارگیری تکنولوژی‌های جدید، قادر به پاسخ‌گویی و تغییر باشند. ارزش آینده پژوهی در آن است که یک فرصت ساختار یافته را برای نگاه به آینده، و بررسی نقش علم و تکنولوژی در آینده فراهم می‌آورد و بدین ترتیب، زمینه و بستری مناسب را جهت سیاست‌گذاری علم و تکنولوژی برای کشورها فراهم می‌کند. بدیهی است بررسی و بحث پیرامون ضرورت

آینده‌پژوهی فی‌نفسه به عنوان پیش‌مقدمه ضرورت کاربرد آینده‌پژوهی در علم سیاست مهم و راهگشا خواهد بود. اگر بخواهیم دلایل ضرورت آینده‌پژوهی را در چند مورد بیان کنیم، می‌توانیم به موارد ذیل اشاره‌ای داشته باشیم:

۱. برنامه‌ریزی و انجام هر نوع فعالیت در جهت اعتلای نظام و موسسات، بدون آینده‌پژوهی، پویایی خود را از دست می‌دهد.

۲. عدم تحلیل رویدادهای آتی، چه از نوع تهدید چه از نوع فرصت، ممکن است برای سازمان‌ها و نظام خطرناک باشد. پرواضح است برخی از این ضرورت‌ها می‌تواند نشان‌دهنده ارتباط آینده‌پژوهی و علم سیاست باشد، کم‌اینکه همین بحث شناسایی و رصد تحولات که در حوزه آینده‌پژوهی به عنوان یک رکن اساسی است در علم سیاست به طور عام نیز بسیار حیاتی و ضروری است.

۳. پیشرفت علم و تکنولوژی، رشد فزاینده جمعیت و انتظارات جامعه از نظام، برنامه‌ریز و سیاستگذار را ناچار می‌کند تا از تکنیک‌ها و روش‌های آینده‌پژوهی استفاده نماید.

۴. تحول در کلیه شئون جامعه، اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در عصر کنونی، برنامه‌ریز را ملزم به شناسایی و آزمایش متغیرهایی که باعث تأثیر بر نظام و خرده سیستم‌ها می‌گردد، می‌نماید. (طیبی، ۱۳۷۴، صص ۴۲-۴۳)

اما با توضیح درباره ضرورت آینده‌پژوهی می‌توان به مواردی جهت ضرورت کاربردی آینده‌پژوهی و تکنیک‌ها و روش‌های آن در علم سیاست نیز اشاره داشت. اساساً اینکه چرا باید به دنبال کاربرد آینده‌پژوهی در علم سیاست باشیم، به موارد متعددی وابسته است که اگر بخواهیم فهرست‌وار بیان کنیم، می‌توانیم به موارد ذیل اشاره کنیم:

- آینده‌پژوهی، ابزار سیاست‌گذاران است: ترسیم آینده ممکن و مطلوب، چراغی است پیش روی فرایند سیاست‌گذاری برای تحقق بخشیدن به چنین آینده‌ای؛ آینده‌پژوهی به

سیاستمداران کمک می‌کند تا بتوانند آینده‌ای ممکن و مطلوب را برای سازمان‌ها و جامعه ترسیم نمایند.

- آینده‌پژوهی در امور مربوط به امنیت ملی، نقش اساسی دارد: پنهان نگه داشتن قسمت‌هایی از تصویر آینده ممکن و مطلوب می‌تواند سلاحی نرم برای پیشی گرفتن از رقیبان تلقی شود.

- آینده‌پژوهی، راه پیشگیری از غافل‌گیری است: آینده‌پژوهی می‌آموزد که چگونه به مصاف آینده مبهم برویم که دچار کمترین ضرر شویم و بیشترین سود را به چنگ بیاوریم. آینده‌پژوهی از غافل‌گیری جلوگیری می‌کند؛

- آینده‌پژوهی، تقویت‌کننده فرهنگ امید است: یکی از اصول آینده‌پژوهی این است که آینده محتمل نیست و اراده انسان‌ها در پدید آمدن آن تأثیر دارد؛

- آینده‌پژوهی موجب پدید آمدن وحدت کارآمد ملی می‌شود: روش‌های آینده‌پژوهی مبتنی بر گرفتن آرای صاحب‌نظران در دسترس و کاستن واگرایی بین این آراست. خود این امر موجب ظهور وحدتی نسبی بین صاحب‌نظران می‌شود. و این وحدت هم به نوبه خود، یکی از مقدمات تحقق آینده ممکن و مطلوب را فراهم می‌آورد؛

- آینده‌پژوهی، ذهن سیاست‌گذاران را از انجماد در امر سیاست‌گذاری خارج می‌کند: زیرا لازم است به طور دوره‌ای (مثلاً در دوره پنج ساله) تصویر آینده ممکن و مطلوب مورد بازنگری قرار گیرد؛ چرا که گذر زمان به طور طبیعی نشان می‌دهد که در چه مواردی، گمان‌های اولیه، نادرست بوده است. نقد و بررسی این تصویر (به طور دوره‌ای)، ذهن نیروهای سیاست‌گذار را از انجماد احتمالی نشأت گرفته از باور به تصویر اولیه رها می‌کند. (پدرام و جلالی‌وند، ۱۳۹۰، جلد اول، صص ۴-۵)

کاربردهای آینده‌پژوهی در علم سیاست

دانش فرارشته‌ای آینده‌پژوهی در ترسیم روندها برای آینده مطلوب در حوزه علوم انسانی به طور عام و علوم سیاسی به طور خاص، به صاحب‌نظران کمک بسیاری خواهد کرد. اهمیت جایگاه علوم انسانی به مثابه علوم و فناوری‌هایی که در ذات خود نوعی فناوری نرم هستند، در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و کلان جمهوری اسلامی ایران، از جمله موضوعاتی است که علاوه بر اندیشمندان رشته‌های مختلف علوم انسانی، توجه آینده‌پژوهان را نیز در دو حوزه آموزش و پژوهش برانگیخته است.

از همین روست که اندیشمندان قلمرو آینده‌پژوهی را آن چنان گسترده دانسته‌اند، که در حوزه‌های گوناگون علمی (فناوری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی مذهبی) کاربرد دارد و نفوذ پیدا کرده است. دانش آینده‌پژوهی پیوندهایی استوار و ناگسستنی با علوم اجتماعی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، ریاضی، تحقیق در عملیات، رایانه و شبیه‌سازی، آمار و احتمالات و بسیاری از حوزه‌های دیگر دارد. بنابراین به درستی یکی از ویژگی‌های اصلی حوزه‌ی مدرن آینده‌پژوهی را می‌توان توجه عمده به مسائل انسانی، اجتماعی، سازمانی، فرهنگی، بهداشتی، زیست‌محیطی، ژنتیکی، جمعیت‌شناسی و ... دانست. اگرچه در کنار آن، ویژگی‌های دیگری نظیر در هم تنیدگی^۱ و نفوذ علوم مختلف در آن؛ اتکا بر علم و فناوری؛ توجه جدی به عدم قطعیت‌ها؛ تلاش در ارائه‌ی الگوها، مدل‌ها و سناریوهای آینده و... را نیز می‌توان ذکر کرد. (قربانی، ۱۳۹۱، ص ۳۵)

این پژوهش ما به دنبال کاربرد آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی به معنای اعم هستیم، مطالعاتی که در برگیرنده تمامی حوزه‌های این علم باشد. امروزه تقسیم بندی‌هایی که از این علم در محافل آکادمیک و دانشگاهی صورت گرفته است بر مبنای گرایش‌های مختلف می‌باشد، به بیانی علوم سیاسی به معنای اعم خود دارای گرایشاتی

می‌باشد که هر کدام حوزه مطالعات خاصی را مدنظر دارند، به عنوان نمونه مطالعات روابط بین الملل که تمرکز اصلی خود را بر روی مباحث روابط بین کشورها و تعاملات آنها گذاشته است، مطالعات سیاست خارجی، همینطور مطالعات اندیشه سیاسی، مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی و... که هر کدام از اینها در قلمرو خود مباحث تخصصی دارند. در این پژوهش ما به دنبال شناسایی کاربرد آینده‌پژوهی در علم سیاست به معنای اعم هستیم. آنچه در اینجا برای ما اهمیت دارد، این است که مسئله اساسی برای آغاز فرآیند سیاست‌پژوهی مسئله آینده‌نگری می‌باشد. توجه به چشم‌اندازهای پیش‌رو و دقت درباره کم و کیف شرائط باعث می‌شود که فرآیند سیاست‌پژوهی، با دقت بیشتری دنبال شود و سیاست‌گذاران بتوانند گزینه‌های بیشتری را مدنظر قرار داده و آنها را اتخاذ کنند. بنابراین در اینجا آینده‌نگری، یکی از لوازم اصلی و اساسی سیاست‌گذاران می‌باشد چرا که تصمیمات و اقدامات مبتنی بر شرائط آینده توسط آنها اتخاذ خواهد شد. (حاجیان، ۱۳۹۱، ص ۹۵)

کاربرد آینده‌پژوهی در علوم مختلف به طور عام و در علم سیاست به طور خاص را بر اساس ماهیت ترکیبی^۱ آینده‌پژوهی می‌توان توضیح داد. ماهیت ترکیبی آن ناظر بر دو مولفه متمایز توصیفی و تجویزی است. بنابراین این کاربرد از دو سنخ توصیفی و تجویزی می‌باشد:

۱. کاربرد توصیفی

در قلمرو توصیف، آینده‌پژوه همچون دیگر محققان در همه شعبه‌های علوم جدید با استناد به شرایط اولیه زمان حال و شرایط حدی و مرزی مربوط به زیست محیط و با تکیه به نظریه‌هایی که در قلمرو فعالیت خویش در اختیار دارد و یا ابداع می‌کند، ابتدا به توصیف آینده‌های ممکن الوقوع اقدام می‌ورزد و آن گاه از میان این آینده‌های

1. Hybrid

ممکن‌الوقوع، محتمل‌ترین آن‌ها را با بهره‌گیری از انواع روش‌های کمی و کیفی، مشخص می‌سازد. آینده‌پژوهی با بررسی قواعد و رصد تغییرات و با ارائه راهکارهای مدیریتی، به سیاستمداران در تصمیم‌گیری کمک می‌کند. چراکه ترسیم و تأسیس آینده مطلوب متناسب با ظرفیت‌ها و موقعیت مناسب افراد، سازمان‌ها و جوامع از قابلیت‌های آینده‌پژوهی می‌باشد.

۲. کاربرد تجویزی

سپس در قلمرو تجویز، دانشمند آینده‌پژوه می‌کوشد با توجه به محتمل‌ترین رویدادها و روندهایی که شناسایی کرده، شرایط و راهکارهایی را برای تحقق مطلوب‌ترین آن‌ها توصیه کند. در این حال، گزاره‌هایی که از جانب دانشمند آینده‌پژوه پیشنهاد می‌شوند، جنبه توصیفی نخواهند داشت بلکه در قالب تجویزهایی که رابطه میان اهداف و وسایل را بازگو می‌کنند، ظاهر می‌شوند. (پایا، ۱۳۸۴، صص ۱۱-۱۲)

با توجه به روشن شدن ماهیت این کاربرد که یا از جنس توصیفی است یا تجویزی می‌توان کاربردهای اساسی آینده‌پژوهی در علم سیاست را در چهار مورد اساسی تبیین کرد (ر.ک: بل، ۱۳۹۱، صص ۱۱۹-۱۳۰)؛ اگرچه این چهار کارکرد را باید در قالب مجموعه واحدی و در تعامل با یکدیگر مورد توجه قرار داد اما به جهت اهمیت برخی از آنها از جمله بحث اهداف و ارزش‌ها، به صورت تفکیک شده بیان گردیده است:

تبیین، تشریح و شفاف‌سازی اهداف، برنامه‌ها و ارزش‌ها:

ضرورت تبیین دقیق ارزش‌ها و استفاده از ارزش‌ها به عنوان مبنایی برای فعالیت‌های علمی بسیار مهم است. چرا که پژوهش‌های مرتبط با ارزش‌های بنیادین انسانی، می‌تواند در خلق آینده‌های مطلوب و یا جلوگیری از بروز آینده‌های نامطلوب سودمند باشد. یکی از بحث‌های اساسی در علم سیاست، ارزش‌های مردم‌سالاری می‌باشد. همین‌طور بحث

آزادی‌های مدنی، حقوق بشر و... همه اینها از ارزش‌های اساسی یک نظام سیاسی محسوب می‌شود که آینده پژوهی می‌تواند به عنوان یک دانش ارزش بنیاد با بهره‌گیری از تکنیک‌ها و روش‌های خود از جمله روش چشم انداز در خدمت علم سیاست باشد. به همین جهت است که آینده پژوهی که یک دانش ارزش محور است تفاوت در دو رویکرد سکولار و دینی آن می‌تواند خطامشی و مسیر ما در تعیین ارزش‌های یک نظام سیاسی را مشخص کند، به عنوان نمونه در یک نظام سیاسی دینی به مانند حکومت جمهوری اسلامی ایران، ارزش‌ها و اهداف با ارزشهای نظام سیاسی غیر دینی چون جمهوری فدرال آمریکا متفاوت است. چراکه موضوع آینده پژوهی، انسان است. انسان هم دارای ارزش و کرامت است و آن بحثی که در مورد آینده پژوهی سکولار و آینده پژوهی دینی مطرح می‌شود؛ یعنی آینده پژوهی سکولار و آینده پژوهی دینی، اساس و مبنایش همین جاست؛ یعنی رویکرد آینده پژوهی سکولار، انسان محور است؛ اما در تفکر دینی، ملاک، کرامت و تقوای الهی است. در آینده پژوهی با جهان بینی‌ها، فرهنگ‌ها، ایدئولوژی‌ها و امثال این‌ها مواجه خواهیم بود. ارزش‌های یک علم می‌تواند معیاری برای تصمیم‌گیری درباره میزان مطلوبیت آینده تصویر شده آن علم باشد.

بررسی و توصیف روندها

پس از تبیین ارزش‌ها، می‌توان گفت آینده پژوهی با کمک تکنیک‌هایی چون تحلیل روند ۱ پایش روند ۲ برون‌یابی روندها ۳ می‌تواند به استمرار روندها و کلان روندهایی که در عرصه مربوط به سیاست‌گذاری و سیاست‌پژوهی اتفاق می‌افتد کمک کند و یا احیاناً از روندهای ناخواسته پیشگیری کند. آینده پژوهی، روندها را توصیف و شرایط را تبیین می‌کند و با توجه به این دو مولفه، آینده احتمالی را به تصویر می‌کشد. روندها، دربرگیرنده مجموعه

1. Trend Analysis
2. Trend Monitoring
3. Trend Projection

رویدادهایی می‌باشد که با یکدیگر سازگاری منطقی دارند، با روندها می‌توان علاوه بر پیش‌بینی رویدادهای آینده، تصاویر آینده را نیز ترسیم کرد. علاوه بر این می‌توان گفت روندهای تأثیرگذار بر آینده هر حوزه‌ای، بیانگر اقدامات دیگران در آن حوزه است و با آگاهی از روندهای آینده می‌شود اقدامات دیگران را نیز تحلیل و پیش‌بینی کرد. (پدرام و جلالی‌وند، ۱۳۹۰، جلد اول، صص ۴-۵) مثلاً در حوزه مباحث روابط بین‌الملل، ما با بسیاری از روندهایی روبرو هستیم که آینده جهان را تحت تأثیر قرار داده است و یا قرار می‌دهد. به عنوان نمونه روندها و یا کلان روندهایی نظیر جهانی شدن، تغییر محیط زیست، اقتصاد و... بسیاری از آینده‌پژوهان نیز عمدتاً با روندها سروکار دارند، و بالتبع به دنبال ارائه محتمل‌ترین آینده‌ها به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران هستند. بنابراین آینده‌پژوه با تحلیل روند، به سیاستمداران در کشف روابط علی بین رخداد‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... کمک می‌کند. (اسلاوتر، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰)

تصویرسازی از آینده‌های ممکن و محتمل در راستای سیاست‌های مقتضی

آینده پژوهی، به دنبال مطالعه نظام مند، کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است. از همین منظر است که آینده پژوهی گزینه‌ها و انتخاب‌های متعدد و مختلفی درباره آینده پیش‌روی افراد و سازمان‌ها را مدنظر قرار می‌دهد و در نهایت در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنها کمک می‌کند. (Bell, 2003, p 70) آفرینش تصاویر بدیل از آینده به گونه‌ای که بر پایه منطق و شواهدی از گذشته و حال استوار باشد منجر به تحقق آنها در آینده می‌شود. البته این بخش که یک ابزار آینده پژوهی است در خدمت علم سیاست، به تنهایی کافی نیست، به عبارتی این به تنهایی برای طراحی و اجرای اقدام هوشمندانه بشری کافی نیست. تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مبتنی بر این تصاویر خلق شده، نیازمند هدفمندی و قضاوت‌های ارزشی است. قضاوت‌هایی از سنخ اینکه مطلوب‌ترین آینده کدام است؟ مطلوب‌ترین و مرجح‌ترین آینده ممکن کدام است. چرا که بدون این قضاوت‌های ارزشی، تصمیم‌گیران و

سیاست گذاران، هیچ مبنایی برای ترجیح آینده‌ای بر آینده دیگر نخواهند داشت. بدون تردید، تصویرپردازی یکی از مهم‌ترین روش‌ها و رویکردهای آینده‌پژوهی استدر روش تصویرپردازی، آینده‌پژوه با تکیه بر دانش و تحلیل خودش، آینده را برای افراد و سازمان‌ها ترسیم می‌کند و آینده را آنگونه که می‌پندارد و نه لزوماً آنطور که می‌خواهد بیان می‌کند. تصویرپردازی حامل یک نوع رابطه علی و معلولی در خود می‌باشد. امروزه تصویرپردازی در همه علوم متداول است و در حقیقت جزء جدایی‌ناپذیر فرآیند تحقیق و پژوهش در اغلب علوم محسوب می‌شود. (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۱، ص ۸۱)

ابداع، ارزیابی و انتخاب گزینه‌های جایگزین

آینده‌پژوهی، دانش شناخت تغییرات و آمادگی برای مدیریت آن تغییر است؛ یعنی آینده‌پژوهی، تغییرات و نسبت بین این‌هاست. به بیان ادوارد کورنیش، اگر ما در برابر تغییرات حاصل از نظام بین‌الملل کنونی، (تغییرات امروز) با تغییرات همراه نباشیم، زیر چرخ تغییرات خرد خواهیم شد، اما آن قدر نظام بین‌الملل امروز و جهان در حال تغییر سریع است که مکث کردن جایز نیست. باید استراتژی و مدیریت داشت. باید در این جهان پر از تغییر بتوان آن مدیریت اساسی و کلان را اعمال کرد. تکنیک‌های آینده‌پژوهی، به سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا با بررسی‌های صورت گرفته، گزینه‌های بدیل و نسخه‌های جایگزین خود را داشته باشند. (کورنیش، ۱۳۸۸، صص ۲۰-۳۵)

اگر به صورت خلاصه شده بخواهیم دو هدف علوم سیاسی را اول؛ ایجاد علم تدوین و اجرای سیاست (تحلیل فرآیند تصمیم‌گیری) و دوم؛ مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری بدانیم می‌توان گفت آینده‌پژوهی و علوم سیاسی هر دو با هدف دست‌یابی به آینده‌های مطلوب، سعی دارند فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را ارتقا ببخشند. هر دوی اینها در گرایش به ارزش‌های انسانی، رویکردی هنجاری دارند. هر دو رویکردی آینده‌گرا دارند. آینده‌پژوهی به علم سیاست این توانایی را می‌دهد که نگاه خود را بر پایه چشم‌انداز

به آینده ایجاد نماید. به یک معنا، شناسایی موقعیت‌ها، تدوین سیاست‌ها و شکل‌دهی به راهبردها؛ یعنی ابتدا موقعیت‌ها را شناسایی نماید، وقتی به این مهم دست یافت، سیاست‌ها و استراتژی‌ها تدوین یابد و بدین ترتیب، راهبردها شکل می‌گیرد (عیوضی، ۱۳۸۸)

نتیجه‌گیری

هر پژوهش و تحقیقی دارای دستاوردها و نتایجی است که حاصل آن نتایج و دستاوردها می‌تواند مورد استفاده محققان و پژوهشگرانی قرار گیرد که می‌خواهند در خصوص آن موضوع و یا موضوعات مرتبط با آن به تحقیق و پژوهش بپردازند. مقاله حاضر نیز از این قاعده عام و کلی مستثنا نیست. با توجه به آنچه در این مقاله بیان شد، آینده‌پژوهی با بهره‌گیری از شاخه‌های مختلف علوم، تلاش دارد تا آینده‌ای مطلوب جهت ارتقاء و کمال جایگاه انسان طراحی و ترسیم و پیش روی او قرار دهد. اگرچه نحله‌های مختلف فکری آینده‌پژوهی، اهداف متنوعی را مطرح کرده‌اند؛ اما توجه ویژه آنها به توسعه علوم سیاسی به عنوان زیرمجموعه علوم انسانی و اجتماعی برجسته است. آینده‌پژوهی به عنوان یک دانش چندرشته‌ای و حتی فرارشته‌ای جایگاه ویژه‌ای در علوم سیاسی دارد، علوم سیاسی که با محوریت موضوعی قدرت و دولت و نهادهای وابسته بنا گردیده است. آینده‌پژوهی می‌تواند فرصت‌های مناسب جهت مواجهه منطقی با تغییرات و تصمیم‌گیری‌ها با بازدهی مطلوب و در نهایت ترسیم و ساختن آینده مطلوب را در اختیار نظریه‌پردازان و عوامل اجرایی نظام‌های سیاسی قرار دهد. (عیوضی و نوازی، ۱۳۹۱، صص ۸۴-۸۵) تغییر و تحولات سیاسی همواره جوامع و نظام‌های سیاسی را تحت تأثیر می‌گذارند. شکل‌گیری قدرت‌های جدید سیاسی در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه‌ساز بروز فرآیندهای محتمل یا غیرمحتملی خواهد بود که آگاهی از آنها برای حضور در جهان آینده بسیار مهم است. معادلات جهانی همواره متغیری از سیاست را به همراه

دارند و طبیعی است که این متغیر به نوبه خود شرایط آینده را به سمت و سوی سوق خواهد داد که گاهی حتی دیگر متغیرها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

در هر صورت مسائلی از قبیل ظهور و بروز نیروهای جدید و اثرگذار در سرنوشت‌ها کشورها، تفوق نرم‌افزار بر سخت‌افزار، سلطه علم بر اقتصاد، تهدیدات گسترده، تورم و بحران‌های اقتصادی، مسائل زیست محیطی، افزایش ناامنی و بزهکاری‌ها و... ضرورت بررسی آینده‌پژوهانه مسائل را برای ما جهت ترسیم آینده مطلوب مشخص می‌کند. ضرورت توجه به آینده‌پژوهی و نقش آن در علم سیاست امریست که تحقق آن مستلزم فرهنگ‌سازی جامع، و البته فراهم آوردن بسترهای لازم برای مطالعات آینده‌پژوهانه در حوزه علوم سیاسی در مجامع دانشگاهی و پژوهشگاهی می‌باشد.

فهرست منابع

۱. اسلاوتر ریچارد و همکاران (۱۳۸۴)، نواندیشی برای هزاره نوین؛ مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی، عقیل ملکی فر و همکاران، چاپ اول، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۲. بل وندل (۱۳۹۲)، مبانی آینده‌پژوهی، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۳. پایا علی (۱۳۸۴)، «ملاحظات شتابزده در باب معرفت‌شناسی آینده‌اندیشی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های نخستین کارگاه آینده‌اندیشی، تهران، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۴. پدram عبدالرحیم و جلالی‌وند عباس (۱۳۹۰)، آشنایی با آینده‌پژوهی (مجموعه کتابچه‌های آموزشی آینده‌پژوهی)، ۷ جلد، تهران؛ مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری و دفاعی، ۱۳۹۰.
۵. حاجیانی‌ابراهیم (۱۳۹۱)، مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۶. حسینی‌مقدم محمد (۱۳۸۹)، کاربرد آینده‌پژوهی در علوم سیاسی با تکیه بر روش تحلیل لایه لایه علت‌ها، مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۳.
۷. دوروزه موریس (۱۳۸۱)، اصول علم سیاست، ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.
۸. ذوالفقارزاده محمد مهدی (۱۳۹۱)، اصول و روش‌های آینده‌شناسی فرهنگی، رهنما آموزش فرهنگی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۸۱ به نقل از غلامرضا گودرزی، طراحی مدل مفهومی مدیریت بحران آینده‌نگری با رویکرد فرهنگی، کمال مدیریت، شماره ۴ و ۵، زمستان ۸۲ و بهار ۸۳.
۹. طیبی سیدجمال‌الدین (۱۳۷۴)، جایگاه آینده‌نگری در برنامه ریزی آموزش عالی، پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۹، بهار.
۱۰. عیوضی محمد رحیم و نوازی علی (۱۳۹۱)، جایگاه آینده‌پژوهی در مطالعات علوم سیاسی، مجموعه مقالات همایش ملی آینده‌پژوهی، تهران.
۱۱. عیوضی محمد رحیم (۱۳۸۸)، نشست علمی «آینده‌پژوهی و مطالعات دینی»، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۲۸ خرداد.
۱۲. قربانی سعید، (۱۳۹۱) بنیان‌های معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی، دوماهنامه داخلی جشنواره بین‌المللی فارابی، ش ۲۷ خرداد و تیر.
۱۳. کورنیش ادوارد (۱۳۸۸)، آینده‌پژوهی پیشرفته، سیاوش ملکی فر و فرخنده ملکی فر، چاپ اول، تهران، اندیشکده صنعت و فناوری.
۱۴. محمودی مهدی و عباسی عطا (۱۳۸۴)، گزارش: آینده‌پژوهی و نقش آن در سیاستگذاری علم و فناوری: تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

۱۵. ملکی فر عقیل و همکاران(۱۳۸۶)، الفبای آینده‌پژوهی: علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا، چاپ سوم، تهران، انتشارات کرانه علم.
۱۶. وینسنت اندرو(۱۳۷۱)، نظریه‌های دولت، حسین بشیریه، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱.
17. Bell, Wendell; Foundations of Futures Studies; New Brunswick (USA) and London(UK): Transaction Publishers, 2003.